

دریافت: آبان ۹۴
پذیرش: فروردین ۹۵

اسوه‌پردازی از حکومت حق مدار برای آیندگان

علی اصغر پورعزت^۱

چکیده

اگرچه جهان با حکومت عدل امام علی علیه السلام چندان نپایید، اما این حکومت به بسیاری از اهداف خود رسید و از جمله آنکه " این حکومت الگو و اسوه حکومت پاک سیرتان در گذر تاریخ شد."

گویا این حکومت برپا شد تا دلیل و راهنمای همه کسانی باشد که در طول تاریخ به حکومت عدل و پاکیزه می‌اندیشند؛ حکومتی که در آن حق تفسیر عدل است و عدل تفسیر و معنی حق؛ و این همه مستلزم احیا و توسعه مکارم اخلاقی در میان حکمرانان و مردم است؛ تا منزلت حکمرانی اخلاقی حاصل آید و جلوه‌های اخلاق در حکومت پدیدار شوند و حکومت حق مدار شکل بگیرد؛ حکومتی که بر مدار اخلاق توسعه می‌یابد و هربار ابتلاء به خطا، آن را به اصلاح خود برمی‌انگیزد و به احیای مکارم اخلاقی در حکومت و حکمرانی مشتاق تر و امیدوارتر می‌سازد و مصمم می‌نماید. این حکومت اسوه است؛ اسوه‌ای نیکو برای برای آیندگانی که به بلوغ فهم و درک و توان حفظ و نگهداری از سازه‌های گوناگون حکومت عدل دست می‌یابند.

واژگان کلیدی:

حکومت حق مدار، مکارم اخلاقی، عدالت اجتماعی، اسوه حکمرانی، نسل‌های آینده

۱. استاد دانشکده مدیریت دانشگاه تهران pourezzat@ut.ac.ir

تأثیر عدالت و ستم بر بقا و زوال حکومت‌ها

در طول تاریخ، حکومت‌های زیادی شکل گرفته، توسعه یافته، بر امور مردم مسلط شده، سپس زوال یافته و فراموش شده‌اند. از این میان، حکومت‌های اندکی به عدالت گستری علاقه‌مند و پای‌بند بوده و در میان علاقه‌مندان به عدل و عدالت گستری نیز فقط تعداد اندکی روایت حق مدار را برگزیده‌اند.

جالب آنکه امروز هیچ جلوه‌ای از این حکومت‌ها در دسترس نیست و صاحبان حکومت‌های گوناگون، عادل و ظالم و درستکار و بدکار، راهی دیار نیستی شده‌اند.

گویا تاریخ گورستان همه نوع حکومت است؛ از عادل و ظالم تا درست کار و بدکردار! نکته اینجاست که فلسفه حکومت‌های عدل، حاوی عنصر ذاتی اضمحلال نیست! یعنی حکومت عدل، عناصر ذاتاً متعارض ندارد و به‌طور منطقی در وضعیت تعادل است و شانس بقا دارد؛ در حالی که حکومت ظلم به هیچ وجه شانس و فرصت بقا نداشته، به لحاظ تعارض قدرت در درون، محکوم به زوال و نیستی است.

در عبارت ۵۸۷۳ غررالحکم و دررالکلم چنین آمده است:

کسی که ولایت (سلطنت) او ستم کند، دولت (حکومت) او زائل شود (ترجمه محلاتی، ج ۲، ص ۶۳)

بنابراین سرّ زوال و فروپاشی بسیاری از حکومت‌ها، تمایل آنها به ظلم و ستم بوده است. برای مثال یکی از علل فروپاشی حکومت‌های هخامنشی، ساسانی، خوارزمشاهی، صفویه، قاجاریه و پهلوی، سیطره نیروهای ستمگر بر دستگاه و دیوان اداری دولت‌های ایشان بوده است. در حالی که دوام حکومت‌های عدل و حق مدار حضرت یوسف، حضرت سلیمان، پیامبر اکرم و امام علی علیه السلام، در دوره‌های شدید بحران، گواهی بر این ادعا است که حکومت‌های دادگستر، از ظرفیت منطقی قوی و ارزشمندی برای حفظ تعادل و بقای خود برخوردارند. بنابراین، حکومت‌های ظالم و ظلم‌گستر، به طور منطقی مستعد فروپاشی بوده، با هر بار ارتکاب به ظلم، خود را در معرض فروپاشی قرار می‌دهند. به ویژه آنگاه که ظلم از حد به در رود و به قتل مظلوم بینجامد.

در نامه ۵۳ نهج‌البلاغه در این باره چنین آمده است:

بپرهیز از خون‌ها و خون‌ریزی‌های ناحق؛ زیرا هیچ چیز، بیش از خون‌ریزی ناحق، موجب کیفر خداوند نشود و بازخواستش را سبب نگردد و نعمتش را به زوال نکشانند و رشته‌ء عمر را نبرد.

خداوند سبحان چون در روز حساب به داوری در میان مردم بپردازد، نخستین داوری او درباره‌ی خون‌هایی است که مردم از یکدیگر ریخته‌اند. پس مبادا که حکومت خود را با ریختن خون حرام تقویت کنی؛ زیرا ریختن چنان خونی، حکومت را ناتوان و سست ساخته، آن را از میان برمی‌دارد یا به دیگران می‌سپارد (ر.ک. ترجمه آیتی، ۷۴۷).

بنابراین، حتی هنگامی که هدف از حکمرانی صرفاً بقای حکومت باشد، بازهم بهتر است که حاکم، عدالت پیشه سازد و از ظلم و ستم بپرهیزد.

اهداف تحقق یافته حکومت امام

آنگاه که امام متقین حکومت را در دست گرفت، اهدافی را برای حکمرانی خود مطرح کرد که در زمان واسپاری حکومت، به همه آنها دست یافته بود.

توجه شود که دیرپایی، در شمار اهداف این حکومت نبوده است. بنابراین هنگامی که عجلولانه قضاوت می‌شود که «حکومت عدل علی علیه السلام»، دیری نپائید»، باید توجه داشت که اساساً امام مبین، به بقا در دنیا نمی‌اندیشید و اهداف دیگری در سر داشت.

در خطبه ۱۶ نهج‌البلاغه، درباره اتفاقات پس از پذیرش حکومت چنین آمده است:

سوگند به کسی که محمد را به حق فرستاده است، در غربال آزمایش به هم در آمیخته و غربال می‌شوید تا صالح از فاسد جدا گردد یا همانند دانه‌هایی که در دیگ می‌ریزند تا چون به جوش آید، زیر و زبر شوند؛ پس پایین‌ترین شما، بالاترین شما می‌شود و بالاترینتان، پایین‌ترینتان؛ واپس ماندگانتان به پیش افتند و پیشی‌گرفتگان شما، واپس رانده می‌شوند.

به خدا سوگند که هیچ سخنی را پنهان نداشته‌ام و دروغ نگفته‌ام که من از چنین مقام و چنین روزی، آگاه شده بودم (ر.ک. ترجمه آیتی، ۶۱).

جالب آنکه در فراز پایانی این خطابه زیبا، اضمحلال و نابودی، قرین و هم‌گرا و ره‌آورد نادرستی و دروغ‌گویی و ستیزه با حق، معرفی شده است، آنجا که فرموده است:

اگر به دست راست روی نهی به گمراهی افتاده‌ای و اگر به دست چپ گرای،
باز هم به گمراهی افتاده‌ای، پس راه میانه را در پیش گیر که رهایی در همان
است. هر کس که ادعا کند، هلاک شود و هر که دروغ بندد، به مقصود نرسد و
هر که با حق ستیزد، خود تباہ شود.

نادان را در نادانی همین بس که مقدار خویش نمی‌شناسد. ستونی که بر بنیان
تقوا استوار گردد، هرگز فرو نریزد و کشته‌ای که به کسب تقوا سیراب گردد،
تشنه نماند (ر.ک. ترجمه آیتی، ۶۳).

همچنین در خطبه سوم نهج‌البلاغه که به شقشقیه معروف است، چنین آمده است:

سوگند به کسی که دانه را شکافته و جانداران را آفریده که اگر انبوه آن جماعت
نمی‌بود یا گرد آمدن یاران، حجت را بر من تمام نمی‌کرد و خدا از دانشمندان
پیمان نگرفته بود که در برابر شکمبارگی ستمکاران و گرسنگی ستم‌کشان
خاموشی نگزینند، افسارش را بر گردنش می‌افکنم و رهاش می‌کردم و در
پایان با آن، همان می‌کردم که در آغاز کرده بودم و می‌دیدید که دنیای شما در
نزد من از عطسه ماده بزی هم، کم ارج‌تر است (ر.ک. ترجمه آیتی، ۴۹).

همان طور که ملاحظه می‌شود، اهداف حکومت امام عبارت بودند از:

الف) احیاء شایسته سالاری به سبک پیامبر یا بر صدر نشانیدن اهل تقوی و ورع؛
ب) اعاده حقوق فقرا و رفع گرسنگی آنان؛

ج) بر جای نشانیدن ستمگران و مهار قدرت آنان؛

د) حفظ جوانب اخلاق و راستی و صداقت، در همه حال؛

ه) پرهیز از افراط و تفریط و رعایت اعتدال، در همه حال.

امام علی علیه السلام، حدود پنج سال حکومت کرد؛ در حالی که همواره در جهت تحقق این

اهداف تلاش می‌کرد و به لوازم آن نیز با جدیت پای‌بند بود.

بنابراین، قضاوت افرادی که بر شکست حکومت حق مدار علوی تأکید دارند، ناشی از کژفهمی درباره مفهوم شکست و پیروزی است. امروز که همه غاصبان و خیانت کاران نیز از میان رفته‌اند و از خود جز شرم و فساد باقی نگذاشته‌اند، بهتر می‌توان درباره مراتب عزت و پایداری و پیروزی " حکومت فرازمانی امام علی علیه السلام " سخن گفت.

شأن و منزلت اسوه

هوشمندترین مخلوق خداوند و اندیشمندترین بنده او، به منزلتی رسید که قرآن کریم درباره‌اش چنین فرموده:

و لقد كان لكم في رسول الله اسوه حسنه (قرآن کریم، احزاب، ۲۱)

و او خود درباره مهمترین حادثه حیات خویش، یعنی برانگیختگی برای رسالت پیامبری، چنین فرمود:

من برانگیخته شدم تا مکارم اخلاق را به کمال برسانم (شرح اصول کافی، ج ۲، ۷۹۶)

همو که قرآن کریم درباره‌اش فرمود:

و انك لعلى خلق عظيم (قلم، ۴)

ماجرا این است که خداوند بی‌مثال، با قدرت لایزال خود، مخلوقاتی را می‌آفریند و از میان آنها، برترین و والاترین آنها را بر می‌گزیند و اسوه دیگران معرفی می‌کند؛ کسی که در وصف او گفته شده: لولاک، لما خلقت الافلاک (ر.ک. طبری، ۷۴۸ قمری، ۲۲۱).

بنابراین، هنگامی که اسوه مخلوقات، در وصف هدف رسالت خود، بر به کمال بردن مکارم اخلاق تأکید می‌نماید، می‌توان ادعا کرد که " جهان خلقت، برای به کمال بردن اخلاق آفریده شده است ".

توجه شود که امام علی علیه السلام، برترین سرباز مجاهد پیامبر، برای به هدف رساندن نهضت او بود. پس ایشان موظف بود که به همگان نشان دهد که حکومت اسوه، حکومت اخلاقی است و جانشین پیامبر اسوه، جز بر طریق اخلاق، حکم نمی‌کند.

سیراین تحلیل منطقی، چنین است:

الف) خداوند جهان را آفرید، در حالی که "مقصود آفرینش، پیامبر اکرم بود".
 ب) پیامبر سرِ بعثت خود را "به کمال بردن مکارم اخلاق" می‌داند.
 ج) خداوند سیره پیامبر را "اسوه حسنه" می‌داند.
 د) امام علی، "بهترین شاگرد پیامبر" در طی طریق اسوگی است.
 ه) پس "حکومت علی علیه السلام، باید حکومتی پیراسته از بی‌اخلاقی باشد تا حکومت اسوه پاکان عالم شود".

یادآوری می‌شود که همه گفته‌ها و سنت‌های فردی و اجتماعی امام، الگو و اسوه است. بنابراین، سکوت و حکومت و صلح و جهاد، هریک در زمان خود، جلوه‌ی اسوگی امام است. در واقع رسالت چهارده معصوم نشان دادن مصادیق شخصیت اسوه در حالات گوناگون پیامبری و امامت و پیروی بوده است؛ از تحمل تحریم اقتصادی گرفته تا تمدن‌سازی، صبر و خانه نشینی، حکومت و حکمرانی، صلح، جهاد، مناجات، درس و بحث، نشر علم، تحمل اسارت، تبعید، بایکوت، غیبت و ظهور؛ بدین ترتیب، امام مبین در همه حال، طریق اسوگی را نمایان می‌سازد و الگوی پیروان خود می‌شود.

حکومت اسوه امام مبین

حکومت اسوه نماینده مردم است و مقصد تعالی جامعه را نمایان می‌سازد؛ در واقع همچنان که امام، اسوه مردم است، حکومت او نیز اسوه حکمرانان سالم و پاک سیرت است. از این منظر، "رسالت امام، حکومت کردن نیست، بلکه نشان دادن شیوه حکمرانی و حکومت عادلانه است؛ همچنان که "رسالت او، زندگی طولانی نبود، بلکه نشان دادن سبک زندگی سالم بود". بنابراین، شکست برای این حکومت، فقط هنگامی رخ می‌دهد که در شیوه حکومتش، بی‌عدالتی رخ دهد؛ یعنی پیروزی و شکست مادی در جنگ، نمی‌تواند شأن اسوگی آن را خدشه‌دار کند، آنچه به این حکومت ضربه می‌زند، عدم رعایت الزامات بقا در حریم اسوگی است. در خطبه ۱۹۱ نهج‌البلاغه چنین آمده است:

به خدا قسم، معاویه از من زیرک‌تر نیست، او پیمان شکنی می‌کند و گنه‌کاری.
 اگر پیمان شکنی را ناخوش نمی‌داشتم، من زیرک‌ترین مردم می‌بودم (ر.ک.
 ترجمه آیتی، ۴۶۹).

یعنی این حکومت نباید طریق تزویر و ریا و فریب کاری بپوید؛ بنابراین، شکست در جنگ یا سلطه‌یافتن معاویه، برای این حکومت شکست اساسی محسوب نمی‌شد، بلکه شکست اساسی آنگاه رخ می‌داد که به ظلم، حق انسان ناتوانی، به یغما می‌رفت و این حکومت در برابر آن سکوت می‌کرد. به همین جهت است که امام، ارتکاب به ظلم را حتی برای لحظه‌ای کوتاه روا نمی‌دارد.

تفسیر عدل در عمل حکمرانی

یک رسالت مهم حکومت امام علی علیه السلام، نشان دادن سطح دقت و شدت عدالت ورزی در سنت حکمرانی و جلوه‌های گوناگون امر و نهی اجتماعی بود؛ از این رو، در حالی که در برابر خطاهای فردی، با گذشت و عفو برخورد می‌کرد، در برابر خطاهای اجتماعی، کمترین اغماض را نمی‌پذیرفت.^۱

در نامه ۴۱ نهج‌البلاغه به یکی از کارگزاران خطاکار حکومت، چنین آمده است:

ای کسی که در نزد من از خردمندان می‌بودی.... از خدای بترس و اموال این قوم به آنان بازگردان که اگر چنین نکنی و خداوند مرا بر تو پیروزی دهد، با تو کاری خواهم کرد که در نزد خداوند، عذرخواه من باشد. با این شمشیر که هر کس را ضربتی زده‌ام، به دوزخش فرستاده‌ام، تو را نیز خواهم زد (رک. ترجمه آیتی، ۶۹۵).

در واقع، امام علی علیه السلام، در مواجهه با حقوق مردم و بیت‌المال، سخت‌گیرانه‌تر و حساس‌تر عمل می‌نمود.

این حکومت جلوه‌های گوناگون عدل را در امر و نهی و نصب و عزل و حکم و تفویض، چنان نمایان ساخت که عبرت سایر حکمرانان شود و منزلت حکمرانی اخلاقی را نشان دهد و در التزام به اخلاق، چنان دقیق عمل کرد که الگوی حکمرانی اخلاقی شد.

سنت حکمرانی اخلاقی

مهمترین ویژگی‌های سنت اخلاقی امام علی علیه السلام در حکمرانی، عبارت است از:

۱. برای مثال، نسبت به خطاهای فردی افراد و ظلم ایشان به خویشان، برگذشت و عفو تاکید داشت؛ ولی در برابر خطاهای اجتماعی و ظلم به جامعه اغماض نمی‌فرمود.

پای‌بندی به توحید در عمل و گفتار، پرهیز از خشم و خودکامگی، رعایت عدالت و رفتار یکسان با همه، پرهیز از از مداحی و تملق‌گویی و خودستایی، حسن ظن به شهروندان و عامه مردم، حمایت از سنت‌های نیکوی گذشتگان، مشاوره با خردمندان، توجه پدران به نیازهای گروه‌های متنوع و متفاوت مردم، دقت در انجام امور و درک حساسیت و ظرافت حکمرانی، عدالت‌گستری و مهرورزی نسبت به همه آحاد جامعه، قدردانی از زحمات آحاد جامعه و کارکنان، حل شبهه‌ها و سوء تفاهم‌ها با استناد به کتاب و سنت، حفظ استقلال قضایی، شایسته‌گزینی قضات و کارکنان، بازرسی و نظارت، تنبیه خیانتکاران، نظارت بر مالیات‌ها و کارسازی آنها در توسعه جامعه، دوراندیشی و بصیرت در هنگام عقد پیمان‌ها و قراردادهای وفای به آنها، مسئولیت‌پذیری در برابر عملکرد کارگزاران حکومت، رسیدگی ویژه به فقرا و مستمندان و یتیمان و سالخورده‌گان، حفظ ارتباط مستمر با عامه شهروندان، نظم و انضباط در رسیدگی به امور، مدیریت زمان، جلوگیری از سست‌مندی مردم بر یکدیگر، امنیت‌گستری و پرهیز از خون‌ریزی، پرهیز از استکبار و منت‌گذاری بر مردم، شفاف‌سازی امور و احترام به شعور عامه مردم، مهار خشم و پرهیز از خشونت و استبداد، یادآوری سنت‌های نیکوی فرمانروایان گذشته، عاقبت‌اندیشی و شهادت‌طلبی و الگوگیری از معصومان علیهم السلام (ر.ک. پورعزت، ۱۳۸۹، ۱۱۸-۱۱۷).

نکته بسیار تأمل‌برانگیز آن است که این حکومت، با رعایت همه این نکته‌ها و قواعد اخلاقی توانست در برابر انواع حوادث و ناملازمات روزگار، سلامت و اعتبار خود را حفظ نماید و در رویه عدالت‌ورزی و حق‌مداری، کاملاً تاب‌آور جلوه نماید؛ تاب‌آوری با رعایت دقیق چهارچوب‌های "عدالت اجتماعی حق‌مدار اسلامی"؛ روایتی از عدالت که در آن، بر باور به توحید، برابری و آزادی مبتنی بر توحید، تناسب حق و تکلیف و تسهیل کمال‌گرایی، تأکید می‌شود؛ و شرایط عادلانه را شرایطی می‌داند که در آن، «همه آحاد جامعه بتوانند به امنیت کامل، رفاه نسبی و آگاهی کافی برای مشارکت در امور اجتماعی، دسترسی داشته باشند» (ر.ک. پورعزت، ۱۳۹۴، ۱۵۶).

اهتمام به این اصول و لوازم آنها و تلاش برای احیای جامعه عدل بر این اساس، مکرراً تصویر سالم و مثبتی را از "رابطه حکومت و جامعه" پردازش می‌کند؛ تصویری که باید با اصلاح خود در روند عبرت از گذشته، رو به کمال و تعالی داشته باشد (پورعزت، ۱۳۹۰، ۷۵).

بازتاب عدالت علوی در جامعه و تاریخ: یادگیری مستمر در حکمرانی متعالی

مردم و کارگزاران در این حکومت، در مسیر یادگیری مستمر قرار دارند؛ مستمراً از خطاهای خود می‌آموزند و از گذشته عبرت می‌گیرند و رسالت امام، آموزش دائمی آنان برای نیل به وضعیت مطلوب است.

از این رو، گویا ایراد سخنرانی‌های پیاپی برای هوشیارسازی و هدایت مردم و کارگزاران به سوی وضعیت مطلوب، برنامه همیشگی امام مبین است (نک: نهج‌البلاغه، فراهای متعدد، از جمله خطبه‌های ۲۴، ۲۵ و ۲۶).

این نکته بسیار ظریف است که رابطه امام و پیرو در سنت حکمرانی علوی، رابطه " معلم و متعلم " و " دانشمند و دانشجو " است. گویا کلاس درسی برای تاریخ بنا نهاده شده تا همه حکمرانان شیعه، از ابتدای تشکیل جامعه اسلامی تا آینده موعود، مستمراً بتوانند خود را اصلاح نمایند و با الگوگیری از سنت حکمرانی علوی، در طریق هدایت قرار گیرند. این یادگیری و سیر تعلیم و تربیت، سابقه‌ای طولانی در سنت انبیاء و اولیاء و اوصیاء خداوند دارد.

نتایج:

اسوه حکمرانی در تاریخ

شأن و منزلت اسوگی، در سنت حکمرانی اسلامی بسیار تأمل برانگیز است و حکومت علوی، مظهر این اسوگی است. این حکومت از سویی اسوه سایر حکومت‌ها در فراهایی از تاریخ آینده است تا از آن عبرت گیرند و رشد و تکامل یابند و در گذر زمان، خود را اصلاح کرده و تعالی بخشند؛ و از سویی دیگر، اسوه مردم روزگار است تا با مقایسه حکومت‌های زمان خود با مختصات حکومت حق مدار علوی، مستمراً حکومت‌های خطاکار را شناسایی نموده، حکومت‌های مطلوب را مورد حمایت قرار دهند. یعنی حکومت حق مدار علوی، شأن و منزلت شاخص و محک و معیار ارزشیابی و قضاوت صحیح را در اختیار مردم مسلمان قرار می‌دهد. بدین ترتیب، نسل‌های آینده می‌توانند در گذر حیات خویش، با یادآوری مختصات حکومت حق مدار، حکومت زمان خود را مستمراً در مسیر اصلاح قرار دهند. به ویژه با تأمل بر فلسفه «انتظار و قیام صالحان برای حکومت و حکمرانی»، ملاحظه

می‌شود که امید به اصلاح آینده باید در سرشت شیعیان نهادینه شود؛ به طوری که حتی در بدترین شرایط مفروض نیز امید به اصلاح امور خویش داشته باشند.

بنابراین، جامعه شیعه حتی در صورت هزاران بار شکست در دنیا، باید امیدوار باشد که به جامعه عدل خواهد رسید و سرّ ظهور نیز همین است. سرمایه امید جامعه باورمند به ظهور، سرمایه‌ای زوال نیافتنی و سرشار است؛ سرمایه‌ای که انشاءالله موجد احیای مختصات "جامعه عدل علوی" در قامت پایدار "جامعه عدل مهدوی" خواهد بود؛ سرمایه‌ای که به مردم کمک می‌کند تا به طور فوق فعال، آینده خود را به بهترین شکل ممکن بسازند؛ در واقع، حکومت حق مدار علوی، اسوه‌ای نیکوست برای حیات پایدار در جامعه حق مدار مهدوی "عج الله تعالی فرجه"

منابع

- قرآن کریم.
- پورعزت، علی اصغر. ۱۳۸۹. "پژوهش ابعاد حکمرانی اخلاقی در فحوای عهدنامه امیرالمؤمنین". فصلنامه پژوهش‌های نهج البلاغه، سال هشتم، شماره ۳۰. بنیاد نهج البلاغه.
- پورعزت، علی اصغر. ۱۳۹۰. "عدالت امام علی و آینده ایران". فصلنامه پژوهش‌های نهج البلاغه، سال نهم، شماره ۳۲. بنیاد نهج البلاغه.
- پورعزت، علی اصغر. ۱۳۹۴. مدیریت ما؛ مدیریت اسلامی در پرتو نهج البلاغه امام علی علیه السلام. انتشارات بنیاد نهج البلاغه.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد؛ غرالحکم و دررکلم، ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی، ۱۳۷۸، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- رفیع الدین محمد بن محمد مومن جیلانی، (م: ۱۱ق)، شرح اصول کافی جیلانی (الذریعه الی حافظ الشریعه)، تصحیح محمدحسین درایتی. قم: دارالحديث. چاپ ۱۳۸۷.
- طبری، فضل بن حسن. ۵۴۸ قمری. تهذیب الاحکام (تحقیق خراسان). چاپ ۱۴۰۷ قمری. تهران: دارالکتاب الاسلامیه.
- نهج البلاغه امام علی علیه السلام. گردآوری سیدشریف رضی: ترجمه عبدالمحمد آیتی، ۱۳۷۸، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی و بنیاد نهج البلاغه.